



## تبیین معیارهای ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی در نظام تربیت جهانی: از منظر پرورش شهروند نقاد.

دکتر صمد ایزدی<sup>۱</sup>، مریم صنعتکارفر<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی معیارهای ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی در نظام تربیت جهانی در جریان تحقق هدف پرورش شهروند نقاد می باشد.

از آنجا که امروزه به واسطه جهانی شدن، سرنوشت تمامی افراد، سازمان ها و حکومت ها بیش از پیش به یکدیگر گره خورده و تأثیرات این فرایند بر تمامی حوزه های فعالیت بشری غیرقابل انکار گردیده است و به دنبال طرح مفهوم شهروند جهانی انتظارات جدیدی از آموزش و پرورش به عنوان عامل معنا بخش به زندگی افراد و ابزاری برای پرورش شخصیت انسان و رفع نیازهای اجتماعی، شکل گرفته است؛ در چنین شرایطی آموزش و پرورش می تواند و باید به جوانان برای رویارویی با چالش های آتی و پیش روی کمک کند، بنابراین آموزش و پرورش نیازمند یک تحول و دگرگونی اساسی در تمام سطوح می باشد. یکی از حوزه هایی که نیازمند تحول است بحث تعیین معیارهای ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی اعم از مدیران، معلمان و دانش آموزان می باشد. این که چه معیارهایی برای ارزیابی عملکرد مدیران، معلمان و دانش آموزان در عرصه تربیت جهانی را باید در نظر گرفت؟ و ویژگی های مدیران، معلمان و دانش آموزان به عنوان شهروندان نقاد چه می باشد؟

پژوهش حاضر که با روش تحقیق توصیفی- اسنادی انجام گرفته است به بررسی این مسائل می پردازد. چرا که با توجه به اهمیت مفهوم جهانی شدن و تأثیر و توسعه روزافزون این پدیده، تحقق هدف پرورش شهروند نقاد نیازمند شناخت، معرفی و بررسی معیارهای جدید و مناسب تری جهت ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی اعم از مدیران، معلمان و دانش آموزان در نظام تربیت جهانی می باشد.

**واژه های کلیدی:** نظام تربیت جهانی، شهروند نقاد، عناصر آموزشی، تفکر انتقادی، ارزیابی عملکرد.

۱. دانشگاه مازندران، گروه علوم تربیتی، مازندران، ایران، s.izadi@umz.ac.ir

۲. دانشگاه کاشان، گروه روان شناسی تربیتی، کاشان، ایران، stu89.psychology@gmail.com



## ۱. مقدمه

بهترین چالش ناشی از پدیده جهانی شدن، شکسته شدن قالب های موجود، گسسته شدن انحصارها و پیدایش فضای رقابتی شدید در سطح جهانی است و همه نظام های اجتماعی برای تداوم حضور خود در عرصه جهانی ناگزیر خواهند بود، در جهت تأمین الزامات رقابتی شدن و کسب مزیت رقابتی لازم بکوشند. در آستانه قرن بیست و یکم و در بستر روند تدریجی جهانی شدن، نظام های اجتماعی گوناگون نظام تعلیم و تربیت نیز از این قاعده مستثنی نیست و برای تضمین بقا و استمرار کارایی خود باید بتواند ارکان، اجزا و زیرسیستم های وابسته به خود را با الزامات رقابتی شدن همسو سازد. در این راستا نظام تعلیم و تربیت به یک ذهنیت جهانی نیاز دارد و تجهیز این نظام به چنین ذهنیتی در گرو جهانی شدن ذهنیت متولیان آن است. به بیان دیگر متولیان نظام های تعلیم و تربیت باید ضمن تلاش در گشودن دریچه اذهان خود روی پدیده جهانی شدن و تحولات ناشی از آن، رسالت و وظیفه استراتژیک و مهم خود را ترویج تفکر جهانی در کلیه اجزای خود قرار دهند. تحقق ترویج چنین تفکری در اجزای تشکیل دهنده نظام های تعلیم و تربیت امروز مستلزم برخورداری آنها از نیروهای دانشگری است که از توانمندی و قابلیت های استراتژیک لازم برخوردار و بر تداوم تلاش در کسب مهارت های جهانی و جهانی اندیشیدن و جهانی عمل کردن واقف باشند و بتوانند در مواجهه با ابعاد مختلف جهانی شدن ضمن شناسایی دقیق فرصت ها و تهدیدها امکان تبدیل تهدید به فرصت و بهره گیری صحیح از فرصت ها را فراهم کنند. جهانی اندیشیدن و جهانی عمل کردن نیروهای دانشگر در نظام های تعلیم و تربیت جهانی شده، به دگرگونی استانداردها، شاخص ها و ابزار عملکرد آنان منجر می شود و نهایتاً معیارهای متفاوتی را نیز در ارزیابی عملکرد نظام های تعلیم و تربیت امروز مطرح خواهد کرد (ابیلی، ۱۳۸۴).

بنابراین با توجه به اهمیت این مسائل، پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی معیارهای ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی در نظام تربیت جهانی در جریان تحقق هدف پرورش شهروند نقاد می پردازد.

## ۲. مبانی نظری مقاله

مفهوم جهانی شدن:

این کلمه ترجمه واژه Globalization به معنای همه گیر شدن است اما از همین کلمه ترجمه های دیگری نیز به عمل آمده است که کمتر در ادبیات این حوزه ها جا افتاده اند نظیر جهانی سازی، سیاره ای شدن و جهان گیر شدن. جهانی شدن یکی از مهمترین پدیده های قرن حاضر است که با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی ابعاد روزمره زندگی در ارتباط است و بر همه مردم، جوامع و کشورها تأثیر گذار می باشد و فعل و انفعالات سازمان ها هرچه بیشتر با توجه به پدیده جهانی شدن صورت می گیرد. گیدنز در تعریفی فراگیر، جهانی شدن را



پدیده ای تعریف میکند که تشدید روابط جهانی را در پی دارد. روابطی که موقعیت های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می زند که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگر که کیلومترها از آن فاصله دارند شکل می گیرند ( شکاری، ۱۳۸۶).

جهانی شدن دارای طبقه بندی هایی است که می تواند آن را به چند طیف تقسیم کرد:

طیف اول: این طبقه بندی، جهانی شدن ابتدایی است که ( رونالدو رابر استون) این مفهوم از جهانی شدن را که مربوط به بخش هایی از تاریخ پیدایش امپراطوری ها و یکپارچه شدن سرزمین ها و واحدهایی که قبلا از هم جدا بوده اند می باشد، به عنوان جهانی شدن کوچک به شمار می آورد و عنوان می کند که در میان اتفاق هایی که در جهان اتفاق می افتاد پیوندی نبود اما از آن پس همه حوادث به صورت یک مجموعه مشترک با هم پیوند خورده اند. به طور کلی منظور از جهانی شدن ابتدایی زمانی است که دولت ها و امپراطوری های بزرگ مثل ایران و روم شکل گرفته و شعاع تأثیر گسترده ای را پیدا کرده اند.

طیف دوم: در این طیف، دوره جهانی شدن مدرن مطرح است. که به اختراع صنعت و تحولاتی برمیگردد که تحت تأثیر انقلاب صنعتی به وجود آمد و در واقع دوره شکوفایی تمدن غرب را پایه گذاری کرد.

طیف سوم: در این طیف جهانی شدن متأثر از صنعت ارتباطات است که دارای ویژگی هایی می باشد: چهره سیاست در آن پنهان و غیر شفاف است، ماهیت غیر تحمیلی دارد و هنجارهای جهانی شدن در قالب تنوع فرهنگی و قدرت انتخاب تولید می شود، جهانی شدن در این دوره چند زمانی است و همه عرصه حیات را در برمیگیرد، در نهایت اینکه نهادها و هنجارهایی که ایجاد می شوند خودسازمان گرا هستند به این معنی که در یک بافت طبیعی به وجود می آیند ( همان منبع).

### جهانی شدن از منظر فرهنگی:

همانطور که از نظرات متفکران غربی معلوم می شود عده ای هم از منظر فرهنگی به تعریف این پدیده پرداخته و جهانی شدن را یکسان سازی فرهنگ ها می دانند و این دیدگاه باعث شده که عده ای قائل به شناور شدن معنای فرهنگ در پروسه جهانی شدن باشند به این صورت که فرهنگ دیگر آنگونه که فرهنگ شناسان کلاسیک آن را تعریف می کردند منحصرآ مجموعه ای از ارزش ها و خاطرات، باورها و عقاید صرف در یک حوزه مشخص جغرافیایی نیست. زیرا فرهنگ در عصر جهانی شدن مفهوم گسترده ای می یابد و فرامرزی است. در نتیجه گسترش ارتباطات و اطلاعات میان جوامع مختلف و تشدید آگاهی ابناء بشر در این زمینه، فرهنگ ها به طور اجتناب ناپذیری با هم آشنا شده اند و شاهد فرهنگ جهانی هستیم (همان منبع).



### مفهوم شهروند جهانی:

امروزه به واسطه جهانی شدن، سرنوشت تمامی افراد، سازمان ها و حکومت ها بیش از پیش به یکدیگر گره خورده و تأثیرات این فرایند بر تمامی حوزه های فعالیت بشری غیرقابل انکار گردیده است. و به دنبال طرح مفهوم شهروند جهانی انتظارات جدیدی از آموزش و پرورش به عنوان عامل معنا بخش به زندگی افراد و ابزاری برای پرورش شخصیت انسان و رفع نیازهای اجتماعی، شکل گرفته است (کشاورز، ۱۳۹۱).

شهروند جهانی نسبت به موقعیت خود و موضوعات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در سطح جهانی آگاهی داشته و در برابر بقا و پایداری محیط زیست جهانی متعهد می باشد. به عبارت دیگر، شهروندی جهانی شیوه ای است برای درک نحوه عملکرد جهان و به هم پیوستگی مردم جهان به یکدیگر، شیوه ای برای نگرستن به برابری و عدالت اجتماعی، واقعیت های موجود، تفاوت ها و راه هایی که می توان در وضع موجود تغییر ایجاد کرد و در نهایت شیوه عمل کردن بر اساس تفکر انتقادی، به چالش کشیدن بی عدالتی ها و تمرین حقوق سیاسی است. اهداف تربیت شهروند جهانی، کمک به فراگیران در کسب هویت فردی، ملی و جهانی بوده تا به عنوان یک شهروند برای حل مشکلات بین المللی مانند؛ تضاد، جنگ، فقر جهانی، تخریب محیط زیست، نابرابری و غیره مشارکت فعال و کلیدی داشته باشند. در چنین شرایطی، وظیفه نظام آموزش و پرورش آن است که با پرورش و رشد ویژگی های شهروندی و تمدنی، افراد را آماده سازد که به صورت فعال در مناسبات جهانی قرار گیرند و هم با حفظ استقلال و اعتلای فرهنگی، تاریخی و ملی خود، راه عزت و اقتدار را طی کرده و بتوانند نقش مؤثر و مثبت خود را در مناسبات جهانی ایفا نمایند (شکاری، منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۲).

در دنیای به سرعت در حال تغییر و وابسته شدن، آموزش می تواند و باید به جوانان برای رویارویی با چالش های آتی و پیش روی کمک کند، چرا که زندگی کودکان و جوانان به شدت به وسیله آنچه در دیگر بخش های جهان رخ می دهد تغییر شکل یافته است و آموزش و پرورش برای شهروندان جهانی باید به آنان، دانش، فهم، مهارت و ارزش هایی را که برای مشارکت کامل در تضمین رفاه خود و دیگران و ایجاد مشارکت سازنده هم در سطح ملی و جهانی لازم است بدهد (کشاورز، ۱۳۹۱).

### جهانی شدن آموزش و پرورش:

جهانی شدن در ابعاد سه گانه خود آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار می دهد. در بعد اقتصادی با گسترش دیدگاه های نئولیبرالیستی باعث خصوصی سازی مدارس، قطع هزینه های عمومی در جهت تجهیز مدارس، خودگردانی مدارس و نهایتاً آموزش و پرورش می شود. تربیت افرادی که بتوانند به دنبال سود فردی خود باشند محوریت می یابد و در همین راستا آموزش های فنی و حرفه ای اهمیت بیشتری پیدا می کند.



در بعد سیاسی با کمرنگ شدن نقش حکومت های ملی - محلی و ایجاد حکومت جهانی واحد، تناسب بین اهداف و محتوا و روش های تربیتی با نیاز های جامعه با نیاز های آن جامعه کاهش می یابد و آموزش ها شکل غیر بومی و جهانی یافته و باعث جهت گیری نظام تعلیم و تربیت به سمت تربیت شهروند جهانی می گردد.

بعد دیگر جهانی شدن یعنی بعد فرهنگی با توجه به آنچه قبلا ذکر شده مهم ترین و مؤثرترین بعد از نظر تأثیرگذاری بر نظام آموزش و پرورش می باشد. جهانی شدن باعث نفوذ ارزش های فرهنگ های سایر جوامع در جامعه می شود. همچنین رشد پدیده مهاجرت باعث ایجاد کلاس های چند فرهنگی و اهمیت یافتن یادگیری برای باه زیستن و الزامات خاص آن که شامل یادگیری شناخت خویشتن، احترام قائل شدن برای دیگران و آموختن حس مسئولیت و همکاری با دیگران است می گردد (شکاری، ۱۳۸۶).

### ضرورت جهانی شدن:

اشکال جدید بی سوادی، عدم مهارت در به کار گیری بروز توانایی های اساسی، توان پایین ادراکی در بین جوانان، عدم آمادگی آشکار برای ورود به بازار کار، عدم توان پاسخگویی به نیازها و نبودن پتانسیل یکپارچه شدن نظامهای آموزشی، تحصیلات ناموزون با نیازهای بازار و افزایش نابرابری های اجتماعی و... از جمله مواردی هستند که ضرورت جهانی شدن تعلیم و تربیت را نمایان می سازد و تغییرات اساسی در اهداف، محتوا و روش های تعلیم و تربیت را اثبات می کند (کشاورز، ۱۳۹۱).

بنابراین گذشته از مثبت و منفی بودن پدیده جهانی شدن، به نظر می رسد که رخداد این پدیده در عصر انفجار اطلاعات، فرصت های لازم را نه تنها برای تبادلات آموزش و پرورش در سطح جهان بوجود آورده، بلکه امتیازاتی را نیز برای کشورهای درحال توسعه مانند ایران فراهم کرده است تا از این طریق بتوانند پایه های آموزشی جامعه خویش را محکم نمایند و گامی بلند برای آینده پیش روی خویش بردارند.

در کشور ایران در زمینه آموزش های شهروندی، محتوای درسی در نظام آموزش و پرورش بیشتر بر تربیت شهروند ملی و با هدف تقویت انسجام ملی تأکید دارد. طبق بررسی های انجام شده تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره متوسطه در ایران حاکی از آن است که مؤلفین کتاب های درسی با تأکید بر تشابهاتی مانند "زبان فارسی" به عنوان زبان ملی و "مسلمان" و "مذهب شیعه" بیشتر در جهت انتقال پیام انسجام ملی بوده اند و نسبت به تکرار ذاتی درون فرهنگی کشورمان کمتر توجه نشان داده اند. بنابراین جای طرح مباحث و موضوعات جهانی به ویژه مرتبط با تربیت شهروند جهانی در نظام آموزشی کشورمان خالی می باشد. (کشاورز، ۱۳۹۱).

طرفداران نظریه جهانی شدن معتقدند که آموزش و پرورش باید بتواند همانطور که از اثرات جهانی شدن استفاده می برد، خود نیز بر جهانی شدن تأثیر بگذارد و پاسخگوی نیازهای جهانی شدن باشد (چناری و پورمنصف،



. (۱۳۹۲)

بنابراین آموزش و پرورش نیازمند یک تحول و دگرگونی اساسی در تمام سطوح می باشد. برنامه های درسی باید با در نظر گرفتن امر جهانی شدن تدوین گردد. مدارس از فضا و امکانات کافی برای استفاده از فن آوری های جدید برخوردار شوند. معلمان از روش های نوین و فعال تدریس به منظور ایجاد قدرت نقادی قضاوت صحیح و تفکر در متربیان استفاده کنند. هویت دینی و ملی در دانش آموزان تقویت شده و شناخت کافی نسبت به دین اسلام که دینی مترقی و کامل است در آنها ایجاد گردد تا دانش آموزان به عنوان برون دادهای نظام آموزش و پرورش نه تنها از تأثیرات منفی جهانی شدن مصون بمانند بلکه بتوانند به عناصری مؤثر در رواج تعلیم دینی تبدیل شوند (شکاری، حسن آقایی، ۱۳۹۲).

### معایب جهانی شدن:

اندیشمندان مخالف جهانی شدن، معایب جهانی شدن را چنین برمی شمردند: افزایش شکاف تکنولوژی و تقسیمات دیجیتال بین کشورهای پیشرفته و کشورهای کمتر توسعه یافته و ایجاد مانع در دسترسی به فرصت های مساوی جهت سهیم شدن منصفانه جهانی، ایجاد فرصت های محدودتر برای کشورهای کمتر توسعه یافته که مستعمره سیاسی و اقتصادی سایر کشورها هستند، بهره برداری منابع محلی و تخریب فرهنگ بومی کشورهای توسعه نیافته به نفع چند کشور پیشرفته، افزایش بی عدالتی و تضاد بین مناطق و فرهنگ ها، ایجاد فرهنگ های حاکم و تسلط ارزش های بعضی از مناطق پیشرفته و افزایش پیوندهای فرهنگی از مناطق پیشرفته به مناطق کمتر توسعه یافته (چنگ، ۲۰۰۴).

تایک و کیویان (۱۹۹۵) معتقدند که اعمال اصلاحات در نظام آموزشی و در نتیجه، آموزش بهتر در آینده، نتیجه تلاش های متفکرانه معلمانی است که وظیفه تدریس و آموزش را در مدارس به عهده دارند. آنان متذکر می گردند که در سال های اخیر سیاست گذاران، غالباً معلمان را از چرخه اصلاحات آموزشی کنار گذاشته اند و دانش آنان را در مورد توصیف وضع موجود مدارس کنونی کم اهمیت شمرده اند. معلمان در نظام آموزشی در حوزه عمل قرار دارند و از مجریان اصلی سیاست های رسمی و اعلام شده از طرف سیاست گذاران هستند. همین امر حکایت از در کانون بودن آنان در تلاش های مربوط به اعمال هر نوع تغییری در نظام آموزشی دارد (استارنز، ۲۰۰۰).

### ۳. مرور پیشینه ها

سوابق پژوهشی انجام گرفته، گرچه اندک است اما در جای خود دستاوردهای ویژه ای دارد. هودسن اشاره می دارد که در یک چشم انداز کلی فلسفه اصلی تربیت شهروندی دستیابی به مقاصد چون وفاداری به ملت،



افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی و تربیتی، ایجاد نگرش مثبت به قدرت و اقتدار سیاسی و تسلیم شدن در برابر هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به هنجارهای بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری علاقه و مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی اجتماعی است (آلتریچتر و لیوت، ۲۰۰۰). در گزارش اخیر مطالعه تربیت شهروندی انجمن بین المللی ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی آمده است که تمامی جوامع معاصر دارای این نگرانی و دل مشغولی عمیق هستند که چگونه نوجوانان و جوانان را برای زندگی شهروندی آماده کنند و راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی را به آنها بیاموزند (توبیوسن، ۲۰۰۰). اگرچه از دیرباز تاکنون فلاسفه و مربیان روش هایی را برشمرده اند، اما، نظر به دخالت متعدد در تعیین خصوصیات شهروندی و بحران ها و پیشرفت های قرن گذشته و جدید پژوهشگران به طور مجزا و از طریق بررسی های میدانی به دنبال احصاء ویژگی های شهروند جهانی بوده اند. به طور کلی، می توان از طریق تکیه بر خرد جمعی تصویری از شهروند جهانی مطلوب به دست آورد (هادسون، ۲۰۰۱).

#### ۴. روش شناسی مطالعه

پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی- اسنادی انجام گرفته است.

#### ۵. یافته ها ( بحث و بررسی )

ورود فناوری های نوین به حیطه آموزش سبب می شود تا کارایی فرایند یاددهی و یادگیری به شکل های گوناگون افزایش یابند و تحول اساسی در شیوه ها و راهکارهای یاددهی و یادگیری به وجود آید. در اینجا معلم نقش بزرگی به عهده دارد. او دیگر مأمور انتقال تمدن از نسلی به نسل دیگر نیست بلکه وظیفه اش انتقال دادن اندیشه است. در آموزش و پرورش دیروز تکیه بر کتاب و برنامه بود، امروز شاگرد مطرح می شود و دنیای عظیم و بی پایان نیازهای جدیدش که او را با چالش های جدیدی رو به رو می سازد. معلمان در عصر جهانی شدن ضمن داشتن نقش راهنما، تسهیل کننده و هدایت کننده اند و باید خود را از نظر اطلاعاتی تغذیه کنند تا بتوانند پاسخگوی خیل عظیم نیازها و پاسخ های یادگیرندگان باشند. معلم باید جهانی بیندیشد و نقش جهانی داشته باشد تا بتواند یادگیرندگان جهانی به جامعه تحویل دهد. به همین جهت معلمان ضرورتاً از باهوش تری و اجتماعی ترین افراد جامعه پیشنهاد می شوند.

از طرفی یکی از خصوصیات جوامع جهانی و اطلاعاتی این است که افراد در آنها با مجموع عظیمی از اطلاعات و پدیده های نو رو به رو هستند. یادگیرنده در مواجهه با این حجم اطلاعات باید بتواند نیازهای اطلاعاتی خویش را با تحلیل و منطق درست استخراج کند و به شیوه صحیحی به کار گیرد. در این حالت در یک جامعه جهانی این



دانش آموز است که هدف را تعیین می کند و معلم وی را در این راه هدایت می کند. این یادگیرنده است که متفکری نقاد، تحلیل گر و گزینش گر اطلاعات است. یادگیرنده در دهکده جهانی به صورت فردی و یا با گروه هایی متشکل از یادگیرندگان که در مکان های مختلف ساکن هستند، در زمان های مختلف و با استفاده از امکانات متفاوت در ارتباط می باشد و در تکالیف یادگیری تشریک مساعی دارد. آنها به یادگیری بخاطر خود یادگیری علاقه مندند تا بخاطر پاداش های خارجی و بیشتر به منظور رضایت درونی فعال می شوند. همچنین یادگیرندگان تنها به یادگیری مقطعی توجه ندارند بلکه به دنبال فراگیری مادام العمر هستند و به همین دلیل خود دانش آموزان مسئول یادگیری خودشان هستند. پس روش های حل تعارض، ارتباطات و سایر مهارت ها را یاد میگیرند که آنها را به مشارکت از طریق گروه های متنوع قادر می سازد (خسروی، ۱۳۸۴).

#### معیارهای ارزیابی عملکرد افراد در نظام تعلیم و تربیت جهانی:

جهانی اندیشیدن و جهانی عمل کردن نیروهای دانشگر در نظام های تعلیم و تربیت، به دگرگونی استانداردها، شاخص ها و ابزار عملکرد آنها منجر می شود و بالمآل معیارهای متفاوتی را نیز در ارزیابی عملکرد افراد در نظام های تعلیم و تربیت امروز مطرح خواهد کرد. ارزیابی عملکرد افراد در مراکز تعلیم و تربیت در بستر جهانی شدن و با نقش جهانی سازی دارای ویژگی های زیر است:

- منبع ارزیابی عملکرد افراد بر اساس تفکر ذی نفع محوری است که نتیجه آن هم افزایی فکری و تفکر کلی نگر و یکپارچه است.
- روش ارزیابی عملکرد صرفاً مبتنی بر استفاده از فرم و یک روش مشخص نیست. ضمن اینکه ارزیابی باید همراه با اصلاح و بهبود عملکرد باشد.
- مزایای متعلق به افراد به عنوان نتیجه ارزیابی عملکرد آنها باید بر اساس انتخاب خودشان باشد. ( ایبیلی، ۱۳۸۴).

#### معیارهای ارزیابی مدیران در نظام تعلیم و تربیت جهانی:

برخی از اهم معیارهای ارزیابی مدیران مراکز تعلیم و تربیت عبارتند از:

- ۱- توان انجام کار در فضای مجازی
- ۲- توان انجام کار در شرایط ابهام و بحرانی
- ۳- سواد انفورماتیک و دیجیتالی و آشنایی با نحوه استفاده با اینترنت و بطور کلی آشنایی با فن آوری ارتباطات و اطلاعات و استفاده از نرم افزارهای تخصصی و مدیریتی





۴- آشنایی و تسلط به زبان های خارجی

۵- دارا بودن مهارت های نوین مدیریتی ( همان منبع ).

### معیارهای ارزیابی معلم در نظام تعلیم و تربیت جهانی:

در یک بستر جهانی شده برای ارزیابی معلمان علاوه بر معیارهای معمول و سنتی، از معیارهایی به قرار زیر استفاده می شود:

- ۱- آشنایی با نحوه استفاده از اینترنت، پایگاه های اطلاعاتی، سایت های آموزشی و سخت افزارها و نرم افزارهای تخصصی در امور آموزش و یادگیری و تشویق فراگیران
- ۲- مهارت تدریس و نظارت کیفی بر فرایند یادگیری در فضاهای مجازی و دیجیتالی
- ۳- مهارت برقراری ارتباط مؤثر تعاملی یاددهی و یادگیری از راه دور
- ۴- مهارت ایجاد تمایل، رغبت و علاقه به یادگیری تیمی در چارچوب گروه های یادگیری در فراگیری
- ۵- شناخت تفاوت های فرهنگی و توجه به آنها در ارتباطات آموزشی و یادگیری ( همان منبع ).

### چالش های ارزیابی عملکرد در مراکز تعلیم و تربیت:

با توجه به تحولات برشمرده که نظام های تعلیم و تربیت در فرایند جهانی سازی جوامع و در بستر جهانی شدن با آن مواجه هستند، ارزیابی عملکرد در این نظام ها نیز با چالش ها و تحولاتی مواجه است که عمده آنها عبارتند از:

- گرایش نظام های تعلیم و تربیت به ارزیابی عملکرد مستمر خود با استفاده از ابزارها و تکنیک های مختلف که به نوعی تلاش در جهت همسان و یکسان سازی روش های ارزیابی سازمان ها در دنیا مبدل شده است.
- گسترش تدریجی ذی نفع محوری تلاش های ذی صلاحی ارزیاب و ذی حقی ارزیابی شونده در ارتباط با ارزیابی عملکرد آموزش و یادگیری و با تأکید بر خود ارزیابی و ارزیابی متقابل.
- روند تدریجی چرخش تأکید از ارزیابی های نتیجه محور به رویکرد ارزیابی فرایند محور در تعلیم و تربیت.
- گرایش به استفاده بیشتر از پارادایم ها، رویکردها، روش ها و معیارهای کیفی در ارزیابی پیشرفت تحصیلی فراگیران، تدریس مربیان و عملکرد مدیران آموزشی.
- گرایش به استفاده بیشتر از معیارهای بین فرهنگی در ارزیابی عملکردها ( همان منبع ).



## ۶. نتیجه گیری

جهانی شدن فرایندی است که حاکمیت و هویت فرهنگی ملل را در سطوح خرد و کلان تحت تأثیر قرار داده است، لذا نظام های آموزشی و پرورشی نمی توانند خود را جدا یا دور از این فرآیند رو به گسترش در نظر بگیرند. با مطرح شدن کلاس های درس مجازی، اینترنت و نظام های آموزشی دیگر در کنار آموزش رسمی نمی توان آنها را نادیده گرفت و صرفاً به مقابله با آنها پرداخت، بلکه باید حداکثر بهره برداری را جهت ارتقاء سطح کیفی و کمی نمود که این امر مستلزم پویایی نظام آموزشی و توجه مسئولان و مدیران این نظام است. پذیرش سایت های کلیشه ای و بسته دیگر جایگاهی ندارد و باید طرحی نو در فضای جهانی شدن در انداخت. در این راستا توجه به معیارهای ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی و بررسی و تغییر آنها لازم می باشد.

## ۷. منابع و ماخذ

ابیلی، خدایار. (۱۳۸۴). جهانی شدن و چالش های ارزیابی عملکرد در نظام تعلیم و تربیت. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت جهاد دانشگاهی واحد تهران. ص ۶۹-۵۹.

چناری، علیرضا و پورمنصف، صدف. (۱۳۹۲). پدیده جهانی شدن در آموزش و پرورش ایران. مجموعه چکیده مقالات چهارمین همایش انجمن فلسفه ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۷۶-۷۳.

خسروی، محبوبه. (۱۳۸۴). جهانی شدن و تعلیم و تربیت. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت جهاد دانشگاهی واحد تهران. ص ۷۰۰-۶۸۱.

شکاری، عباس و رحیمی، علی. (۱۳۸۶). پیدا و پنهان جهانی شدن. انتشارات اندیشه نوین.

شکاری، عباس و حسن آقایی، هاجر. (۱۳۹۲). تحول در آموزش و پرورش و رویارویی با چالش های جهانی شدن برای تربیت دینی. مجموعه چکیده مقالات چهارمین همایش انجمن فلسفه ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۵۶۴-۵۶۱.

شکاری، عباس؛ منافی شرف آبادی، کاظم و زمانی، الهام. (۱۳۹۲). تربیت شهروند جهانی با تمرکز بر دیدگاه نظریه پردازان انتقادی: اهرم تحول زا در نظام آموزش و پرورش. مجموعه چکیده مقالات چهارمین همایش انجمن فلسفه ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۵۶۸-۵۶۵.

کشاوری، یوسف. (۱۳۹۱). جهانی شدن و ضرورت آموزش های شهروندی جهانی. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. سال سوم، شماره سوم. ص ۱۹۴-۱۷۹.

Altrichter, H. & Elliot, J. ( 2000). Images of educational change. Philadelphia: open university press.

Cheng, Yin Cheong B (2004), "A CMI-triplication Paradigm Education in



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



New Millennium”, *The Intonation Journal of Education Management*, Vol.

14, No. 4.

Hadson, W. (2001). Religiou citizenship. From: www. Gfu. Ac. Edu. Ac.

Starnes, B. A. (2000). on dark times, parallel universes, and dejavu. *Phi delta kappan*, 113- 14.

Tobiasen, M. (2000). Global Citizenship. Paper presented at European political Research Association Co enhagen.